



جمعه، ۲۴ دسمبر ۲۰۲۱

دوکتور نوراحمد خالدی

معرفی اقوام عمده افغانستان

دوم - تاجیک ها

متن سخنرانی در کلب هوس پنجم دسمبر

اسم، محل زندگی، نفوس و منشأ نژادی:

تاجیک، تاجک، تازیک، فارسیوان نامهای عمومی است بر مردم دری/ تاجیکی/فارسی زبان که در آسیای مرکزی، تاجیکستان و افغانستان بخصوص در وادیهای فرغانه و منشأ دریای آمو در بدخشان زندگی می‌کنند، اطلاق می‌شود. تاجیک‌ها امروزه اکثراً در افغانستان، تاجیکستان جنوب ازبکستان زندگی می‌کنند.

در افغانستان تاجیک‌ها در بسیاری از ولایات زندگی می‌کنند اما بیشترین تاجیک‌ها در بدخشان، تخار، کاپیسا، بلخ، پروان، کابل، بغلان، پنجشیر، و هرات سکونت دارند. گفته می‌شود در بدخشان تاجیک‌ها (غلچه‌ها/غرچه‌ها) در قراء مرتفع تر پشت کوه در شهر بزرگ، رستاق، چاه آب، یفتل، راغ و... زندگی می‌کنند. منطقه ارگو بین کشم و فیض آباد و قرای پر جمعیت آن عمدتاً ترک نشین هستند. در منطقه شرق فیض آباد ارتفاعات بیشتر می‌شود، که در آن نواحی تاجیکان بیشتر به سر می‌برند. بنابراین زمین‌های نسبتاً حاصلخیز در طول دو رودخانه بسیار بزرگ بدخشان (قندوز و کوچه) به وسیله مردمان مختلف ترک و هزاره فرا گرفته شده است. میدانیم که در زبان پشتو به کوه "غر" می‌گویند. به این حساب سکونت تاجیک‌ها در ارتفاعات و در کوه‌ها پیشوند و مفهوم "غرچه" یا "کوه نشین" را به خوبی تمثیل می‌نمایند.

در مورد کلمه "غلچه/غرچه" (تاجیکان کوه نشین) به معنی نام ساکنان دره پامیر اشاره بر آن است که به هر دو گویش (فارسی و پامیری) سخن می‌گویند. در چند سال اخیر گروهی عقیده برین دارند که روشانی‌ها، شغنانی‌ها، یزغلامی‌ها، دینی‌ها و وحی‌ها تاجیک نیستند.

در ازبکستان بیشترین جمعیت شهرهای سمرقند و بخارا را تشکیل می‌دهند و به شمار زیاد در ولایت‌های کشک‌دریا و سرخان‌دریا در جنوب و در امتداد سرحدات شرقی ازبکستان با تاجیکستان و همچنین در دره فرغانه در ولایت‌های فرغانه و نمگان زندگی می‌کنند. در گذشته تاجیک‌ها در مناطق وسیع‌تری از آسیای میانه سکنی داشتند، ولی به سبب تهاجم گسترده ترکان از شمال و شرق به این منطقه جابجا شدند. تاجیک‌ها همچنین درصد بیشتری از مردمان بومی و ساکن شهر ورامین را در ایران تشکیل می‌دهند. تاجیک‌ها همچنین در قسمت‌هایی از فارس، اصفهان و قسمت‌هایی از شمال غربی هرمزگان نیز به سر می‌برند.

تاجیک‌های چین در ناحیه تاشقرغان پامیر در دامنه‌های بلندترین کاههای منطقه در ایالت سنکیانگ زندگی میکنند.

در افغانستان نفوس تاجیک‌ها در سال جاری ۸/۵ میلیون نفر تخمین می‌گردد که با سهم ۲۵/۲ فیصد (ن ۱ خالدي، افغانستان چهار راه مدنيتها، مردم افغانستان، منتشره فیسبوک/افغان جرمن آنلاین، ۲۱ نوامبر ۲۰۲۱) در مجموع نفوس کشور، دومین گروه قومی کشور را بعد از پشتون‌ها می‌سازند(به جدول ضمیمه مراجعه شود).

بر اساس آخرین سرشماری اتحاد جماهیر شوروی که در سال ۱۹۸۹ انجام شد ۴,۲۱۵,۳۷۲ نفر از اهالی این کشور خود را تاجیک معرفی کرده‌اند. از این تعداد ۳,۱۷۲,۴۲۰ نفر در جمهوری تاجیکستان (۷۵٪)، ۹۳۳,۵۶۰ نفر در ازبکستان (۲۲٪)، ۳۸,۲۰۸ نفر در روسیه، ۳۳,۵۱۸ نفر در قرقیزستان، ۲۵,۵۱۴ نفر در قزاقستان، ۴,۴۴۷ نفر در اوکراین، ۳,۱۴۹ نفر در ترکمنستان بوده‌اند.

نفوس سال ۲۰۲۰ تاجیکستان در حدود ۹,۳ میلیون نفر تخمین شده است که مطابق این رقم سهم تاجیکان در حدود هفت میلیون نفر خواهد بود.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جنگ‌های داخلی در افغانستان باعث احیای ملی‌گرایی تاجیکان در منطقه شده است. خصوصاً تاجیکستان نقطه کانونی این حرکت بوده است. دولت تاجیکستان بطور رسمی کوشیده است تا میراث امپراتوری سامانیان، نخستین حکومت تاجیک مسلط بر منطقه را پس از حمله اعراب دوباره زنده کند.

در مجموع نفوس تاجیک‌ها را در سال ۲۰۲۰ به شمول ساکنان تاجیکان سایر ممالک می‌توان در حدود شانزده میلیون نفر تخمین کرد. بر همین منوال پروفیسور حق‌نظر نظروف عقیده دارد که "مؤرخان تاجیکستان تاریخ خلق تاجیک را در محدوده ماورالنهر و آسیای میانه محدود ساخته‌اند... در حالی که ۶۲ درصد تاجیک‌ها در افغانستان زندگی می‌کنند... سهم آنها در آفرینش فرهنگ مادی و معنوی خلق تاجیک به مراتب از مردم تاجیک ماورالنهر زیادتیر می‌باشد (مقام تاجیکان در تاریخ افغانستان، دوشنبه، ۱۹۹۹)".

در مورد نام، ریشه‌های قومی، اجداد، هویت تاریخی تاجیک‌ها تاکنون آثار فراوانی از سوی مؤرخین، پژوهشگران و دانشمندان منطقه و جهان تألیف گردیده‌اند.

ساکنان آسیای مرکزی در آغاز نام تازی (تاجیک) را در برابر مسلمانان به کار برده‌اند. همین که ترکان ظاهر شدند، این کلمه را در باره طایفه ای که ترک نبوده‌اند، استعمال می‌کرده‌اند. مغولان غیر خود را تازی (تاجیک) می‌گفتند.

در فرهنگ‌ها و قاموس‌های زبان فارسی دری چون "لغتنامه دهخدا"، "برهان قاطع"، "فرهنگ معین" و "فرهنگ نفیسی" تاجیک به معنی غیر عرب، غیر ترک و غیر مغول آمده است. در برهان قاطع معنی تاجیک یا تازی، زاده شده از عرب، یا اولاد عرب در خراسان ذکر شده است (تجدید چاپ محمد معین سال ۱۳۳۰م، تهران). باید یادآور شد که ترکی شده کلمه "تازی" تاجیک است و ما می‌دانیم که در پارسی دری به فرد عرب نژاد "تازی" گفته می‌شود زبان عربی به نام "زبان تازی" یاد می‌گردد.

بر همین اساس بهار در کتاب سبک‌شناسی آورده است: "ایرانیان از قدیم به مردم اجنبی «تاجیک» یا «تازی» می‌گفته‌اند، چنان‌که یونانیان "بربر" و اعراب "اعجمی" یا «عجم» گویند. این لفظ در زبان فارسی دری نو، "تازی" تلفظ شد و رفته‌رفته خاص اعراب گردید، ولی در توران و فرارود لهجه قدیم باقی و به اجانب «تاجیک» می‌گفتند و پس از اختلاط ترکان آلتایی با فارسی‌زبانان آن سامان، لفظ «تاجیک» به همان معنی داخل زبان ترکی شد و فارسی‌زبانان را «تاجیک» خواندند و این کلمه بر فارسیان اطلاق گردید و ترک و تاجیک گفته شد"

میرزا شکورزاده، پژوهشگر تاجیک و نویسنده کتاب "تاجیکان در مسیر تاریخ" می‌نویسد: "بر اساس پژوهش‌های انجام شده، در بسیاری نقاط آسیای میانه، مردم پارسی گوی، ایران، افغانستان، تاجیکستان و حتی کشمیر و کاشغر خود را "تاجیک" معرفی کرده اند.

همچنان عده‌یی بر آن اند که تاجیکان قبل از ظهور ترکان (در قرن ششم میلادی) درین ناحیه زنده‌گی می‌کرده اند... تاجیک‌ها در مناطق آسیای میانه، افغانستان و ماورالنهر سکونت داشتند (مریم میر احمدی، قوم تاجیک و هنر تاجیکی در آسیای میانه، تاجیکان در مسیر تاریخ، تهران ۱۳۷۳، ص ۲۳۸). عبدالغازی تاجیکان خوارزم را "سارت" و تاجیکان بخارا را "تاجیک" نامیده است. بعضی‌ها معتقدند که "تاجیک" صورت تحول یافته "تازیک" که لفظ پهلوی بوده است، می‌باشد.

صورت قدیم‌تر تاجیک همان اصطلاح "دادیک"‌های هرودوت به سلسله واژه‌های "پارا داتا- پرادادیک و پیشدادی" دوره اساطیری به پیشینیان این قوم بی‌رابطه نمی‌باشد. بر این مبنی دادیک‌ها اجداد تاجیکان می‌باشند. کلمه "دادیک-DODIK" که به معنی "دادگر" و "عادل" آمده است، مشتمل بر متون فقهی در کتاب اوستا است که "DO-TIK" هم خوانده می‌شود، که تعبیری بر رود مقدس (آمو) و جغرافیای بدخشان در "آریانا و یجه" گردیده است (پروفیسور حق‌نظر نظروف، ۱۳۸۲).

بر اساس این عقیده یکی از طایفه‌های بومی آسیای مرکزی "دادیک" نام داشت، که دو هزار و پنجصد سال پیش در همین سرزمین می‌زیستند. با گذشت زمان با اقوام هم‌تبار خود سارت‌ها، خوارزمی‌ها، سغدی‌ها و مانند این‌ها آمیزش یافته، تدریجاً نام "تاجیک" را در ترادف به "دادیک" با اضافه مفاهیم تاجدار و تاجپوش، پس از دوره زردشتیان مشهور گردیدند، چون که زردشتیان کلاه تاج ماندی می‌پوشیدند و آنها را "تاجی" یا "تاجیک" می‌گفتند (از کتاب "تاجیکان"-آریایی‌ها و فلات ایران، اثر میرزا شکور زاده، تهران ۱۳۸۰).

این تعریف را دولت تاجیکستان پذیرفته و معتقد است که کلمه تاجیکستان به معنی سرزمین تاجیک‌ها است و از قبیله تاجی گرفته شده است که قبل از اسلام در این سرزمین زندگی می‌کردند. اما ولادیمیر بارتولد مستشرق شهیر روس با این نظر موافق نبوده گزینش کلمه "تاج" را در ابتدای ترکیب نام "تاجیک" عربی و زمان آن را پس از هجوم اعراب باین منطقه خوانده است (ولادیمیر بار تولد، در میرزا شکورزاده، تهران ۱۳۸۰).

باآنکه امروزه مردم خود را به افتخار تاجیک می‌خوانند اما در گذشته چنین نبوده و این نام از جانب دیگران بالای آنها گذاشته شده بود.

نام تاجیک گاهی از سوی ترکان به تاجیکان، زمانی به تازیان و اعراب و برعکس استفاده شده اند. استاد میرزا تورسن زاده می‌گوید که نام "تاجیک" از آغاز پیدایش نسبت به تمام پارسی گویان عجم به کار رفته است. صحت این ادعا مورد تردید یکنعداد مستشرقین می‌باشد زیرا فارسها خود را تاجیک نمیدانند و در منابع ایرانی تنها ورامین را منطقه تاجیک نشین دانسته اند و گفته اند که تعدادی تاجیکها در سایر نقاط پراکنده زیست میکنند. در زمان صفویان قزلباشها منشیان دربار را "تاجیک" می‌گفتند. دکتر احمد جاوید نوشته است که: "در صفحات تاریخ و ادب ما ملیت تاجیک در مناطق و دوره‌های مختلف به نام‌های زیر یاد شده اند، که هرکدام به جای خود دارای توضیح و تفسیر است: تازیک، تازیک، تژیک، تات، ابناءالاحرار، بنی احرار، احرار و ابنای آزاده، آزاد زادهگان، آزاد نژاد، دهقان، دهگان، غلچه، دھوار، فارسیوان، سرت یا سارت و غیره". (جاوید، عبدالاحمد، اکادیمسین دکتور، اوستا، کابل ۱۳۸۳).

در افغانستان تاجیک‌ها عمدتاً به گروه‌های آتی منقسم می‌شوند: تاجیک‌های شهر نشین (کابل، غزنی، بلخ و هرات)، تاجیک‌های کوهستان (پروان، نجراب، پنجشیر و غوربند)، تاجیک‌های بره کی (بره کی برک، لوگر و بتخاک در همسایگی با غلزی‌ها)، تاجیک‌های فورمولی (در اورگون در میان قوم خروئی)، تاجیک‌های سرده (جنوب-شرق غزنی) زنده‌گی می‌کنند.

اکثریت قاطع تاجیکها مسلمانان سنی مذهب اند اما یک اقلیت در پامیر دارای مذهب اسماعیلی نیز هستند.

مبنای قومیت تاجیک را در عصر حاضر محلی بودن و زبان تشکیل میدهد: کسیکه در اصل باشند بومی مناطق آسیای مرکزی و افغانستان باشد و (یا از اعقاب آنها باشد) و زبان مادری او فارسی دری باشد تاجیک نامیده میشود صرف نظر از مذهب و محل زندگی.

شواهد تاریخی اسم تاجیک

از جمله تعریفهای قابل تعمق و قبول شده میان محققین آن است که کلمه "تاجیک" از کلمه "تازیک" فارسی میانه (با منشأ سغدی و پارتی) و کلمه "تازی" فارسی امروزی (که هردو به معنی عرب اند) منشأ گرفته است. این نام در ماورالنهر یا آسیای میانه مورد استفاده قرار گرفته و از آنجا به سایر مناطق عمومیت یافته است. قضیه از این قرار است که اردوهای اعراب مسلمان که در اوایل قرن هشتم میلادی ماورالنهر را حمله کرده مناطق سغدیان را اشغال نمودند با قوای ترکهای قرلوق جنگیدند تنها شامل اعراب نبوده بلکه تعداد کثیری از فارسه‌های تازه مسلمان شده مناطق زاگروس مرکزی را نیز شامل بودند (مراجعه شود اتلس برینگال، و بارتولد "تازیکی"). به این اساس ترکهای آسیای مرکزی اسم "تازیک" را که معادل کلمه "تازیک" فارسه میباشد برای شناسایی دشمنان مسلمان تازه خود بکار گرفتند. به این ترتیب تا حدود قرن یازدهم میلادی به قول یوسف (Yusuf Kāṣṣ) *hājeb, Qutadḡu bilig* ترکان قره خانید این اصطلاح را بخصوص بالای مسلمانان فارسی زبان در حوزه علیای دریای آمو و خراسان، (که رقبای منطوقی ترکان، باداران در زمان سامانیان، و زمامداران در زمان غزنویان محسوب میشدند)، بکار گرفتند.

به نوشته محمد دبیر سیاقی (تهران ۱۹۹۱م) نویسندگان دورانهای غزنوی و سلجوقی و اتابکان (۱۰۰۰ تا ۱۲۶۰م) کاربرد اصطلاح "تاجیک" را از زمان عنصری به بعد وسعت داده فارسها را که در این زمان در زیر حاکمیت ترکان میزیستند هم شامل آن نمودند. تعدادی از فارسها نیز این لقب داده شده را قبول کردند همچون بیهقی که منشی دربار ترکان بود و از "ما تاجیکان" در اشاره به مردم محل استفاده میکند (بیهقی ویرایش شده توسط فیاض، ص ۵۴۹). از این به بعد تفاوت میان ترک و تاجیک به یک برداشت عمومی رقابت میان یک نیروی جنگجوی حکمران چوپانی و یک کتله اداری شهرنشین مبدل گردید (مراجعه شود به نظام الملک: "تازیکی"، تهران ۱۹۶۲م). در حدود سال ۱۴۰۰م، اشاره به تاجیکها بیشتر به معنی دری/تاجیکی زبانان افغانستان و آسیای میانه بود. زمانیکه روسها سمرقند و بخارا را در سال ۱۸۶۸م اشغال نمودند فارسی زبانان آن شهرها خود را تاجیک معرفی میکردند همچنان آنانیکه در خان نشین خوقند و در وادی فرغانه زندگی خود را تاجیک میگفتند. در پنجشیر و بدخشان افغانستان اسم تاجیک توسط ازبکهای محل به مردمان این مناطق داده شده و توسط حکمرانان پشتون و خود مردم دری زبان این مناطق در گذشته نه چندان دور طرف استفاده قرار گرفته است.

در گذشته کلمه "تاجیک" بصورت مشخص نه منشأ زبانی داشت و نه منشأ منطوقی یا ساحوی (برخلاف کلمات "عجم" و "فارس" که در سابق توسط اعراب به فارسها گفته میشد). در جهان ترک، معمولاً به تاجران "تاجیک" خطاب میکردند (برتولد ۱۹۶۳ ماسکو).

از نظر شکل فونیتیک و مباحث تاریخی-اجتماعی تکامل پروسه کاربرد کلمه "تاجیک" به دقت نیاز دارد. اول باید بخاطر داشت که اصطلاح "تازی" (به مفهوم عرب، عربی، عربستانی) با اصطلاحات "تازیک، تازیکی و تاجیک" (به مفهوم فارسی، ایرانی، تاجیکی) در ادبیات فارسی دری جدید (و در

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، تاریخ بیهقی (یا تاریخ مسعودی)، کتابی تاریخی درباره دوره پادشاهی مسعود غزنوی و مختصری در تاریخ خوارزم می‌باشد (۴۴۸ قمری).

ادبیات ترکی اسلامی، و هندی) از نظر شکل و معنی متفاوت میباشند. سندرمن نتیجه می گیرد که در عصر حملات مسلمانان به ماورالنهر "تازیک" (*tāzīg*) به فارسها خطاب میشد که بزبان "فارسیک"^۲ عصر ساسانی صحبت میکردند و "تازیک" (*tāzīk*) به سغدیها که فارسها آنها را در آن زمان "دری زبان" میدانستند بدین گونه بعد ها زمانیکه ترکهای مسلمان در این مناطق به قدرت رسیدند همین تعریف سغدیها را مورد استفاده قرار دادند که با اصطلاح امروزی "تاجیک" (*tājīk*) سازگاری دارد که در آن زبان و محل زندگی نقش اصلی داشته مذهب نقش تصادفی بازی میکند.

انگلبرت کمپفر که در سالهای ۱۶۸۰م در عصر صفویان به ایران سفر کرد مینویسد که قزلباشها فارسها را "تازیک" یا "تاجیک" میگفتند. به همین اساس در تعدادی لغتنامه ها یا فرهنگهای ایرانی از جمله فرهنگ دهخدا "تاجیک" را فرزند عرب که در خراسان تولد شده تعریف کرده اند. به این حساب یک ارتباط میان تاجیک با تازی "عرب" در میان تکتباران باقی مانده است.

اما ناسیونالیزم تاجیک که از زمان استقلال کشور تاجیکستان و جنگهای مجاهدین افغانستان (حزب جمعیت اسلامی) اوج گرفته است استخراج اصطلاح تاجیک را از کلمه تازیک (به معنی عرب) رد کرده تاجیک را مشتق شده از کلمه "تاج" میدانند (مراجعه شود به عینی و یعقوب شاه، ۱۹۹۲م دوشنبه). این تعریف بطور رسمی توسط دولت تاجیکستان قبول شده و در نشان رسمی دولت تاجیکستان شکل تاج داخل شده است. اما این برداشت از نظر علمای زبان شناسی مورد قبول نیست. آنها میگویند علاوه بر ناسازگاری کلمه "تاجی" از نظر مورفولوژی، اضافه کردن حرف "ک" به عنوان پسوند در آخر "تاجی" اختراع کردن یک اصطلاح نامانوس و نا آشنا در زبان دری بوده در حالیکه به عوض آن کلمات و اصطلاحات مناسبتر مانند "تاجدار" و "تاجور" در زبان دری موجود اند. دکتر عنایت الله شهرانی تاجیکها را "از نسل تورکان قرقیز و قره قلیاق" خوانده اند. این منسوبیت تاجیکها از لحاظ دی ان ای (DNA) به ترکهای قرقز، قره قلیاق، قزاق و ترکمن نتیجه تحقیقات علمی علمای غرب به رهبری عالم فرانسوی می باشد که نتیجه این تحقیقات به تاریخ سوم سپتمبر ۲۰۰۹ میلادی از رادیو بی بی سی و بعداً از سایت های بی بی سی به زبان های اوزبیک، پشتو و فارسی برای افغانستان تحت عنوان (پژوهش تازه ژن شناسی: ترک و تاجیک یکی هستند) به نشر رسید. این پژوهش نشان می دهد که تفاوت های داخل قومی بیشتر از تفاوت های بین قومی میان اقوام ترک تبار و تاجیکان است. پژوهش تازه حاکیست اقوام ترک و تاجیکی که در امتداد راه ابریشم سکونت دارند، از نگاه شجره شناسی زیست شناسی از هم چندان تفاوتی ندارند. این پژوهش که با نمونه برداری ژن شناسی یا DNA از بیش از ۱۰۰۰ نفر از میان ۲۴ قوم و قبیله و مردم ترک و تاجیک در آسیای میانه انجام شده است، نشان می دهد که از نگاه ژن شناسی تفاوت قومی میان این دو گروه زبانی چندان زیاد نیست و کمتر از یک درصد را تشکیل می دهد. بر خلاف این، آشکار شده است که تفاوت های داخل قومی، به ویژه در میان تاجیکان، به مراتب بیشتر از تفاوت های میان قومی بین گروه های فارسی زبان تاجیک و اوزبیک و قرقیز و قزاق و ترکمن و قره قلیاق در آسیای میانه بوده است. این پژوهش حاکیست که اقوام ترک و تاجیک در طول قرن ها به هم آمیخته و گروه های بزرگتری را تشکیل داده اند تا زمانی که به دو گروه اصلی تاجیکان و ترکها جدا شدند.

پژوهش "تفاوت ژنتیکی و پیدایش اقوام در آسیای میانه" را گروه بین المللی از پژوهشگران به رهبری "اولین هیپر"، (Evelyn Heyer)، مردم شناس معروف فرانسوی، انجام داده و فشرده آن در اول سپتامبر در مجله انترنتی "BMC Genetics" منتشر شده است.

با در نظر داشت نتیجه فوق نکته دیگری که زبان شناسان همواره بر آن تأکید می کنند، باید بخاطر داشت این است که زبان یک پدیده اجتماعی است و از مردمی به مردمی دیگر، صرف نظر از

^۲فارسیک شکلی از پهلوی است که توسط مومنان زردشتی استفاده میشد و اسم فارسی امروزی از آن گرفته شده است.

تفاوت‌های نژادی تحویل می‌شود. در حقیقت پیدایش زبان دری که بیش از هزار سال پیش در شمال افغانستان و جنوب تاجیکستان موجود بود در عهد طاهریان رسم الخط عربی را پذیرفته، موجب رخنه تا اعماق فلات ایران حالیه در این طی هزار سال گذشته گردیده است..

بعد ورود اسلام، پهلوی زبان دینی و ملی مردم ایران، رانده و منزوی وساقط شد و چون اعراب مسلمان برای بیان و تبلیغ و ترویج مذهب خود اسلام سنی، ترجمه و تفسیر قرآن، در سرزمین جدید و در بین مردم بومی، نیاز به محمل و بستر و لسان جدید داشتند، از جایی در شمال افغانستان و جنوب تاجیکستان فعلی (بلخ - مزارشریف) در کالبدی خراسانی، روح عربی اسلامی، دمیده شد و نطفه زبان دری (فارسی امروزی) بسته شد. فارسی؛ زبان دین جدید در منطقه شد، نه تنها زبان پهلوی را که زبان موبدان آتشکده بود و بار دینی داشت، مغلوب کرد بلکه، به عمق فلات ایران امروزی رخنه کرد و زبان منبر و مسجد و تخت و دربار و در نهایت کوچه و بازار اندرونی مردم غیر تاجیک و پهلوی زبان اصفهان و شیراز و ری شد. همینگونه مردم ترک زبان مادری را کنار گذاشته به زبان فارسی دری که مقبول منبر و مسجد و تخت و دربار بود تکلم کردند آنچنانکه حافظ و سعدی و قطران تبریزی نیز نه به زبان مادری خود، بلکه ناچار به فارسی دری شعر می سرودند. بر همین اساس پرویز نائل خانلری در کتاب زبانشناسی و زبان فارسی، دانشمند زبان شناس ایرانی تایید میکند که:



عده‌یی از نویسندگان از عدم تبارز تاجیک ها در حوادث تاریخی بعد از معرفی اسلام در منطقه اظهار تعجب می کنند. پروفیسور جاوید در این مورد می‌نویسد که تاجیکان همچون مردمان اصیل زاده و دهگان زاده، آزاده و احرار وصف شده اند. معروفست که برای مردم دهقان، تجار و هنرپیشه با اصول صلح خواهی و روش های همزیستی مسالمت آمیز، عنصر اصلی زندگی آنها در روند حیات به شمار می رفته است و آن ها استیلاگری، تجاوز کاری و کنش های بد را زشت و منفور می‌دانسته اند. ازین لحاظ در مقابل بادیه نشینان عرب و ترک و مغول که با همین وسیله زندگی می کردند، به عوض مقابله به دره های عمیق و کوهستان های صعب العبور عقب نشینی می کرده اند (جاوید،

عبدالاحمد، اکادیمسین دکتور، اوستا، کابل ۱۳۸۳). شاید گزینش نام غرچه (کوه نشین) به بخشی از تاجیکان برهمن منوال صورت گرفته باشد و دال سکونت آنها در کوهستانهای بدخشان و دره های پنجشیر، غوربند، تگاب و نجراب همین امر باشد.

(پایان)

میمه: تخمین فیصدی های ترکیب قومی نفوس افغانستان توسط مؤلفین و منابع مختلف

	مؤلف	منبع	پشتون	تاجیک	هزاره	اوزبیک	سایر
۱	سروی و تحقیق شش ساله	بنیاد واک ناروی ۱۹۹۹	۶۲,۷۳	۱۲,۴	۹	۶	۱۰
۲	مکس کلومبرگ	افغانستان ۱۹۶۰	۶۰	۳۰	۳	۳	۴
۳	ویلیام میلی	تولد مجدد، افغانستان و طالبان/لندن ۱۹۹۸	۶۲,۷	۱۲,۴	۹	۶	۹,۹
۴	محم محبوب و ف. باوری	جغرافیای دنیا چاپ پنجم ایران	۶۰	۲۰	۵	۵	۱۰
۵	پروفیسور سی. آ. بروک	نفوس جهان ۱۹۸۱/اتحاد شوروی	۵۲,۸	۱۸,۶	۸,۶	۸,۶	۱۱,۴
۶	پروفیسور محمد علی	افغانستان-کابل ۱۹۵۵	۶۰	۲۰			۲۰
۷	پروفیسور اسلانوف	زبان ملی افغانستان/اتحاد شوروی ۱۹۶۴	۶۰				۴۰
۸	محمد انعام واک	سسٹم فدرالی در افغانستان/پاکستان ۲۰۰۰	۶۲	۱۲	۹	۶	۱۱
۹	شماره ۴۲ - ۴۳ جریده افغان ملت	پاکستان ۱۹۹۵	۵۰	۲۱	۸	۸	۱۳
۱۰	عبدال احمد المیر	تاریخ و ایجاد افغانستان/لندن ۱۹۸۰	۵۸,۷	۲۸,۷	۲,۷	۸	۱,۹
۱۱	عبدالعظیم ولیان	تاریخ و ایجاد افغانستان/ایران ۱۹۸۷	۷۰	۱۳			۱۷
۱۲	علی اکبر جعفریان	مجله سخن	۵۰	۲۰			۳۰
۱۳	لوی دوبری	افغانستان ۱۹۷۳ آمریکا	۴۶	۲۵	۶	۷	۱۶
۱۴	ورلد الماناک	افغانستان ۱۹۹۷ آمریکا	۳۸	۲۵	۱۹	۶	۱۲
۱۵	مکینزی	زبان های بزرگ دنیا ۱۹۸۷	۶۰				-۳۵ ۴۵
۱۶	انتونی	افغانستان	۴۵	۲۳	۱۰	۸	۱۴

۱۷	سی.آی.ای	Fact Book	۴۲	۲۷	۱۳	۹	۹
۱۸	انتخابات ۲۰۰۴ ریاست جمهوری [۱]	نتایج نشر شده انتخابات	۵۵,۴	۱۶,۳	۱۱,۶	۱۰	۶,۷
۱۹	دکتر نور احمد خالدي	اکادما ۲۰۱۶	۴۳,۷	۲۶,۴	۱۲,۲	۱۲	۵,۷
	متوسط		۵۵%				

زی (پشتون) ۵۵,۴ درصد، یونس قانونی (تاجک) ۱۶,۳ درصد، محمد محقق (هزاره) ۱۲,۲ درصد، عبدالرشید دوستم (ازبک) ۱۲ درصد

مأخذ و منابع:

۱. ن ا خالدي، افغانستان چهار راه مدنيتها، مردم افغانستان، منتشره فیسبوک/افغان جرمن آنلاين، ۲۱ نوامبر ۲۰۲۱
۲. پروفیسور حق نظر نظروف (مقام تاجیکان در تاریخ افغانستان)، دوشنبه، ۱۹۹۹
۳. میرزا شکورزاده، پژوهشگر تاجیک "تاجیکان در مسیر تاریخ"، تهران ۱۳۷۳
۴. برهان قاطع تجدید چاپ محمد معین سال ۱۳۳۰م، تهران
۵. مریم میر احمدی، قوم تاجیک و هنر تاجیکی در آسیای میانه، تاجیکان در مسیر تاریخ، تهران ۱۳۷۳
۶. بهار، کتاب سبک‌شناسی، محمدتقی بهار، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران ۱۳۸۵
۷. کتاب "تاجیکان" - آریایی‌ها و فلات ایران، اثر میرزا شکورزاده، تهران ۱۳۸۰
۸. جاوید، عبدالاحمد، اکادمیسین دکتور، اوستا، کابل ۱۳۸۳
۹. ولادیمیر بار تولد، در میرزا شکورزاده "تاجیکان" - آریایی‌ها و فلات ایران، تهران ۱۳۸۰.
۱۰. پرویز ناتل خانلری، *زبان‌شناسی و زبان فارسی*، ناشر: توس، تهران ۱۳۸۶
۱۱. پژوهش "تفاوت ژنیتیکی و پیدایش اقوام در آسیای میانه" Evelyn Heyer، مجله انترنتی "BMC Genetics"
۱۲. تحقیقات ژنیتیکی پوهنتون پورت سموث، پروفیسور مازیار (مجله پلوس وان سال ۲۰۱۲م)
۱۳. ابن بطوطه متن عربی سفر به کابل ۱۳۲۰م، ترجمه انگلیسی،
۱۴. تاریخنامه هرات، نویسنده سیف بن محمد بن یعقوب الهروی (۷۲۱-۶۸۱ق؟)، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، ۱۳۸۳
۱۵. بابرنامه یا توزک بابری، ظهیرالدین محمد بابر، ترجمه انگلیسی از اصل ترکی، انت سوزانا، لندن
۱۶. تاریخ فرشته، ابوالقاسم محمد فرشته، *انتشار اسلام در هندوستان*، ترجمه انگلیسی از روی متن اصلی فارسی، جان برگز، چاپ کلکته
۱۷. میر محمد صدیق فرهنگ، *افغانستان در پنج قرن اخیر*، انتشارات عرفان، تهران ۱۳۵۸
۱۸. حامد نوید، آریانا افغانستان آنلاين، *ریشه یابی کلمه افغان*، ۲۰۱۸/۲/۲۷م.
۱۹. کریم پوپل در مورد قبایل پشتون در وبسایت مشعل (Mashal.org)
۲۰. صاحب‌نظر مرادی "از احمد شاه ابدالی تا عبدالرحمن خان"، جریده انترنتی "خراسان زمین" چاپ ۲۸ قوس ۱۳۹۰ ه.ش
۲۱. اولیور روی، *اسلام و مقاومت در افغانستان*، متن انگلیسی، چاپ دوم، یونیورسیتی کمبریج، چاپ دوم ۱۹۹۰
۲۲. غرزی لایق، فیسبوک ۲۱ نوامبر ۲۰۲۱
۲۳. توماس بارفیلد "تاریخ فرهنگی و سیاسی افغانستان" ۲۹ March Thomas J. Barfield ۲۰۱۰

۲۴. سفرنامه و خاطرات امیر عبدالرحمن خان و تاریخ افغانستان از ۱۷۴۸ تا ۱۹۰۰م، به کوشش ایرج افشار سیستانی، موسسه نسل دانش، تهران ۱۳۸۹
۲۵. محمد سعیدی "هزارستان، از اقتدار تا افتخار"، مجله انترنتی هزاره
۲۶. داکتر سید عسکر موسوی، "هزاره‌های افغانستان"، پوهنتون کمبری ۲۹ جنوری ۲۰۰۹. مونت سٹیوارت الفنسٹون، "گزارش پادشاهی کابل و متصرفات در فارس، تاتاری و هندوستان، لندن ۱۸۴۷
۲۷. جورج فورستر، *یک سفر از بنگال به انگلستان از طریق شمال هند، کشمیر، افغانستان، فارس و روسیه*، چاپ لندن ۱۷۹۸م،
۲۸. محمد مهدی، دانشنامه انترنتی آریانا، *شیبیک خان اوزبیک*.
۲۹. هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ۱۳۷۵ تهران
۳۰. استاد صباح، "مستنداتی بر سه و نیم دهه جنایت و آدم‌کشی در کشور"، مجله انترنتی "اصالت" تاریخی ۱۴ اکتوبر م. ۲۰۱۳
۳۱. محمد علی جاوید، جمهوری خراسان، ۲ دلو ۱۳۹۴

Bibliography in English:

- Mzia K. Andronikashvili, *Očerki po iransko-gruzinskim iazykovym vzaimootnošeniiam/ Studies in Iranian-Georgian Linguistic Contacts* [Russian and English], Tbilisi, ۱۹۶۶.
- S. Ayni, "Ma"noi kalimai tojik" (۱۹۴۲), abridged reprinting (insert) in *Adabiyot va šan'at*, Dushanbe, ۱۳ September ۱۹۹۲.
- Elizabeth E. Bacon, *Central Asians under Russian Rule. A Study in Culture Change*. ۲nd Printing, Ithaca, N.Y., ۱۹۸۰.
- V. V. Bartol'd, "Tadžiki. Istoricheskii ocherk" [The Tajiks: a historical sketch] in *Sočinenie* II, ۱, Moscow, ۱۹۶۳, pp. ۴۵۱-۶۸.
- Yuri Bregel, "Turko-Mongol influences in Central Asia," in *Turko-Persia in Historical Perspective*, ed. R. L. Canfield, Cambridge, ۱۹۹۱, pp. ۵۳-۷۷.
- Idem, *An Historical Atlas of Central Asia*, Leiden, ۲۰۰۳.
- Ruy González de Clavijo, *Embajada a Tamorlán*, ed. F. L. Estrada, Madrid, ۱۹۴۳, ۱۹۹۹.
- Moḥammad Dabirsiāqi, "Tāt o Tājik o Tāzik," *Nāmvāra-ye doktor Maḥmud Afšār*, ۶, Tehran ۱۹۹۱, pp. ۳۳۷۴-۴۲۱.
- History of al-Ṭabarī*, XXV tr. Khalid Yahya Blankinship, Albany, N.Y., ۱۹۸۹.
- D. N. MacKenzie, "Bājalānī," *BSOAS* ۱۸/۳, ۱۹۵۶, pp. ۴۱۸-۳۵; repr. in (and here cited from) *Iranica Diversa/David Neil MacKenzie*, ۲ vols., ed. Carlo G. Cereti and Ludwig Paul, Rome, Vol. II, pp. ۴۰۹-۲۶.
- Yaḥyā Maḥyār-e Nawwābi, "Tājik va Tāzik," in M. Bāgerzāda, ed., *Arj-nāma-ye Iraj* [Persian festschrift for Iraj Afšār], Vol. ۱, Tehran, ۱۹۹۸, pp. ۳۰۷-۱۰.
- Oskar Mann, *Die Tājik-Mundarten der Provinz Fars*. Kürdisch-persische Forschungen, Vol. ۱, Berlin, ۱۹۰۹.
- Mirzā Šokurzāda, ed., *Tājikān dar masir-e tāriḳ*, Tehran, ۱۹۹۴ (The first part of the book, pp. ۳-۳۲۳ contains articles on the etymology of the word *tājik*, including those by 'Ayni, Bartol'd [in Persian translation], and Dabirsiāqi cited above).
- Moḥammad Šādeq Nāmi Ešfahāni, *Tāriḳ-e Giti-gošāy*, ed. S. Nafisi, Tehran, ۱۹۳۸.
- Nizām al-Molk, *Siar al-moluk*, ed. Hubert Darke, Tehran, ۱۹۶۲.
- J. R. Perry, "From Persian to Tajik to Persian: Culture, politics and law reshape a Central Asian language," *NSL. A. Linguistic Studies in the Non-Slavic Languages of the Commonwealth of Independent States and the Baltic Republics*, ed. Howard I. Aronson, Chicago Linguistics Society, ۱۹۹۶, pp. ۲۷۹-۳۰۵.
- Chaim Rabin, *Ancient West-Arabian*, London, ۱۹۵۱.
- Sayf b. Moḥammad b. Ya'qub al-Haravi, *Tāriḳnāma-ye Harāt*, ed. M. Z. al-Šeddiqi and Kān Bahādor Kālifa Moḥammad Asad-Allāh, Tehran, ۱۹۷۴.

- Hans Heinrich Schaeder, "Türkische Namen der Iranier," *Die Welt des Islams, Sonderband: Festschrift Friedrich Giese*, Berlin, 1941, pp. 1-34.
- J. B. Segal, "Arabs in Syriac literature before the rise of Islam," *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 4, 1984, pp. 89-124.
- Shahpur Shahbazi, "The *Khwadāy-Nāmag*," *Acta Iranica* 30: Yarshater Festschrift (1990), pp. 208-29.
- W. Skalmowski, "Old Persian *parθava-*," *Immigration and Emigration within the Ancient Near East. Festschrift E. Lipinski*, eds. K. van Lerberghe and A. Schoors, Leuven 1999, pp. 300-12; repr. in (and here cited from) W. Skalmowski, *Studies in Iranian Linguistics and Philology*, Cracow (is correct), 2004, pp. 200-71.
- W. Sundermann, "An early attestation of the name of the Tajiks," *Mediolanica*, ed. W. Skalmowski and A. van Tongerloo, Louvain, 1993, pp. 163-73.
- Moḥammad Yusof Vāleh Eṣfahāni, *Kold-e barin*, ed. Mir Hāšem Moḥaddes, Tehran, 1993.
- Yusof Kāṣṣ-ḥājeb, *Kutadgu Bilig [Qutadgu bilig]*, ed. Reşid Rahmeti Arat, Istanbul, 1947.
- Yusof-šāh Ya'qub-šāh, *Tājikān: pirāmun-e ethnogeniz* [The Tajiks: the question of ethnogenesis], Dushanbe, 1992.